

انقلاب کُرد:

انقلاب ضد سرمایه داری و ضد امپریالیستی

کارگران و زحمتکشان کُرد، برای ایجاد شرایط پیروزی نهایی بر صدام، باید خود را از چارچوب یک برنامه بورژوائی و دمکراتیک رها کنند. پیروزی نهایی انقلاب کردستان در گرو پیروزی انقلاب در کل منطقه است. شروط اصلی تحقق این پیروزی در نکات زیر نهفته است:

۱- مبارزه در راستای سرنگونی رژیم سرمایه داری- نظامی بعث عراق.

تجربه مبارزات ملیت کُرد در چند دهه گذشته اثبات کرده است که حتی شعار "خودمختاری برای کردستان و دمکراسی برای عراق" بدون سرنگونی کامل ابزار دولت بعثی عراق امکان پذیر نیست. هرگونه سازش و یا ایجاد توهم در میان زحمتکشان کُرد مبنی بر ادامه مسالمت آمیز حیات سیاسی در کردستان با حضور یک رژیم سرمایه داری مرکزی غیر واقعی و غیر عملی است. شعار سرنگونی رژیم صدام با شعار حق تعیین سرنوشت تا سرحد جدایی و استقلال ملی و تشکیل دولت مستقل، گره خورده است.

بدیهی است که سرنگونی صدام بدون دخالت فعال توده های زحمتکش عراقی امکان پذیر نمی باشد. یک رهبری انقلابی در کردستان عراق باید همواره کوشش در ایجاد وحدت سیاسی و تشکیلاتی با طبقه کارگر و زحمتکشان عراق کند. ایجاد اتحاد سیاسی و تشکیلاتی نیز با تشکیل یک حزب انقلابی لنینیستی سراسری عملی است. کل زحمتکشان عراق (طبقه کارگر، دهقانان، ملیت های تحت ستم و زنان ...) باید از طرق یک تشکیلات واحد سیاسی، دولت مرکزی را سرنگون کنند.

۲- مبارزه علیه رژیم های ایران، ترکیه و سوریه

مهم ترین و اساسی ترین درس شکست های جنبش کرد، در دوره گذشت (و اخیر)، این است که حل مسأله ملی بدون ارتباط مبارزه بخش های مختلف مردم کرد واقع در دولت های کلیه این کشور امکان پذیر نیست. گرچه سطح مبارزات در کلیه این کشورها موزون و همزمان نیست، اما، وظیفه یک نیروی انقلابی در یکی از این کشورها برقراری ارتباط تنگاتنگ با سایر کردهای منطقه است. به محض پیروزی موقتی اخیر در کردستان عراق می بایستی این پیروزی و امکانات حاصل از آن در خدمت کردهای ترکیه و ایران و سوریه قرار می گرفت. کردهای ایران، ترکیه و سوریه سال هاست که علیه رژیم های خود مبارزه کرده و می کنند. امروز بیش از هر زمان دیگر رژیم ایران مشغول سرکوب کردها می باشد. همبستگی کردها و مبارزه مشترک آنان برای سرنگونی رژیم های مرکزی خود ضامن پیروزی نهایی مردم کرد در راستای تحقق خواست های آنان است.

اما به جای انجام این امر مهم، رهبران ناسیونالیست و خرده بورژوازی کرد عراق مشغول برقراری ارتباط با رژیم ایران شدند. رژیمی که کارگران و زحمتکشان ایران و بخصوص کردها را بیش از یک دهه سرکوب و مرعوب کرده است. کردهای انقلابی عراق می بایستی شدیداً علیه این گونه ارتباطات ایستادگی کرده و با هم ملیتی های کرد و زحمتکشان فارس همبستگی اعلام می کردند و تا سرحد امکان آنان را در جهت سرنگونی رژیم حاکم بر ایران یاری می رساندند. رژیم های منطقه نهایتاً با یکدیگر کنار آمده و مشترکاً کل زحمتکشان منطقه را سرکوب خواهند کرد (و چنین نیز کرده اند). خیانت رژیم شاه را بر مردم کرد عراق نباد از یاد برد. قتل عام های کردها توسط دولت ترکیه را نباید فراموش کرد.

سوسیالیست های انقلابی عراق پس از تجربه تلخ اخیر باید از هم اکنون در راه ایجاد وحدت با کردهای ایران و ترکیه و سوریه و زحمتکشان فارس، عرب و ترک گام های لازم را بردارند. پیروزی کردهای عراق برای تعیین سرنوشت خود با پیروزی

کُردهای ایران، ترکیه و سوریه ادغام شده است. انقلاب کردستان یک انقلاب ضدسرمایه داری است و در کل منطقه باید تحقق یابد.

۳- مبارزه برای کوتاه کردن دست امپریالیزم از منطقه

جنگ اخیر امپریالیزم آمریکا با رژیم بعث یکبار دیگر ماهیت امپریالیزم را به توده های زحمتکش منطقه نشان داد. امپریالیزم در عمل اثبات کرد که خواهان سرنگونی صدام نیست. هراس امپریالیزم از مردم مسلح کردستان به مراتب بیشتر از صدام سرکش است. از دیدگاه سردمداران کاخ سفید، صدام قابل تأیید است و نهایتاً با امپریالیزم کنار می آید (همانطور که چنین شد)، اما مردم کردستان را به سادگی نمی توان به زانو در آورد.

اما، با این وصف، رهبران ناسیونالیست کُرد دست همکاری به سوی آمریکا دراز کرده و با سفرهای متعدد به ایالات متحده آمریکا، و ترتیب مذاکرات مخفی با دولت بوش توقع اخذ کمک داشتند! آنان پس از نیم قرن هنوز درک نکرده اند که تقسیم و تجزیه کردستان توسط امپریالیزم صورت گرفته و عمده ترین سد جلوی تحقق "خودمختاری" ملی، خود امپریالیزم است. آنان هنوز فریب سخن پردازی های پوچ آقای بوش را مبنی بر سرنگونی صدام می خورند. سوسیالیست های انقلابی کُرد هیچ توهمی به امپریالیزم ندارند و باید برای قطع دست های کل امپریالیست ها و متحدانش (و اسرائیل) از منطقه، مبارزات پیگیر و مستقل خود را آغاز کنند. رهبران ناسیونالیست و رادیکال خرده بورژوازی کُرد که به نحوی از انحاء در چارچوب برنامه های بورژوازی اسیر شده اند، هرگز از امپریالیزم و رژیم های بورژوازی نمی توانند برش قاطع کنند.

سوسیالیست های انقلابی، برای پایان دادن بر ستم ملی و ایجاد استقلال و وحدت ملی و دولت خود باید متکی بر متحدان خود باشند (کُردهای منطقه و زحمتکشان عرب، فارس و ترک). رهبرانی که توهم را بر سرمایه داران منطقه و امپریالیزم ایجاد می کنند باید کنار گذاشته شوند. همانطور که امپریالیزم در منطقه یاران خود را یافته

و متشکل می‌کند، زحمتکشان و کارگران منطقه خاورمیانه نیز باید از طریق ایجاد یک تشکیلات سیاسی در خاورمیانه (ما بین کردها، فارس ها، عرب ها و ترک های زحمتکش)، دست های امپریالیزم، صهیونیزم و رژیم های سرمایه داری را برای همیشه از خاورمیانه کوتاه کنند. همانطور که تجربه اخیر نشان داد امپریالیزم و رژیم های سرمایه داری در منطقه، علیرغم اختلافات و "جنگ"ها، با هم علیه زحمتکشان کنار می‌آیند.

پیروزی نهایی انقلاب در کردستان با انقلاب ضدسرمایه داری و ضد امپریالیستی در منطقه گره خورده است. سوسیالیست های انقلابی کرد اعتقادی به تجزیه مصنوعی کردستان توسط امپریالیزم ندارند. آنان خواهان مبارزه در راستای سرنگونی کلیه رژیم های سرمایه داری که کردستان میان آنان تقسیم شده است، می‌باشند. پیش شرط پیروزی نهایی نیز درس گیری از شکست های گذشته است. کلیه مبارزات دوره گذشته مردم کرد، به ضرورت اتحاد ما بین زحمتکشان کرد، فارس و عرب و ترک منطقه و ایجاد یک تشکیلات منطقه ای نشانه می‌زند.

م. رازی - نا. هه ورامی

۷ آوریل ۱۹۹۱

این مقاله بلافاصله پس از نخستین حمله آمریکا به عراق ۱۹۹۱ نگاشته شده است.